

تاریخ تمدن اسلام

• رضا صفری

کارشناس ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه تهران



■ آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی

■ عبدالحسین بینش

■ قم، انتشارات زمزم هدایت، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۲۳۲

مقدمه: تمدن در زبان انگلیسی «civilization» و در عربی «حصاره» خوانده می‌شود و در لغت به معنای شهرنشینی و از ریشه مدینه و مدنیت گرفته شده و به معنی دیگر متخلق شدن به شهرنشینی یا خوی و خصلت شهرنشینی به خود گرفتن می‌دهد و بدان معناست که بشر در سایه آن به تشکیل جوامعی پرداخته و شهرنشین شده است. در زبان‌های بیگانه نیز کلمه تمدن «civilization» از کلمه «civita» که در مقابل وحشیگری قرار گرفته و از کلمه «civilis» که معنی شهرنشینی دارد گرفته شده است. برای واژه تمدن نیز همانند فرهنگ معانی و تعاریف گوناگونی وجود دارد، برای مثال باستان‌شناسان تمدن را به وجود آثار هنری و باستانی گفته‌اند، مورخین میراث گذشته یک جامعه را که به نسل آینده منتقل می‌شود تمدن به حساب آورده‌اند. سیاسیون آن را به برقراری روابط خارجی و حسن جریان امور داخلی کشور تعبیر نموده‌اند و هریک از دریچه و روزنه‌های خاص بدان پرداخته‌اند که هیچ‌یک مفهوم کاملی را ارائه نمی‌کند. به عقیده جامعه‌شناسان تمدن حالتی مترقی است که ملت‌ها در پرتو آن تحت تأثیر دانش‌های جدید قرار می‌گیرند و به نهایت ترقی و علوم و فنون دست می‌یابند. ویل دورانت در تعریف تمدن می‌نویسد: «تمدن را می‌توان به شکل کلی آن، عبارت از نظامی اجتماعی دانست که در نتیجه‌ی وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند.»^۱

تمدن اسلامی یا آنچه بعضی به اشتباه تمدن غرب می‌نامند، نامی است که به تمدن شرق همزمان با قرون وسطی اطلاق می‌شود. تمدن اسلامی تمدن یک ملت یا نژاد خاص نیست بلکه مقصود، تمدن ملت‌های اسلامی است که عرب‌ها، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران را شامل می‌شود،^۲ که به وسیله دین رسمی یعنی اسلام و زبان علمی و ادبی یعنی عربی با یکدیگر متحد شدند.^۳ این تمدن با هنر ایرانی و رومی و سایر جوامع ترکیب شد و تمدنی به نام تمدن اسلامی به وجود آورد.^۴ این تمدن به درجه‌ای از عظمت و کمال و پهناوری است که آگاهی از همه جنبه‌های آن و احاطه بر همه انحای آن کاری بس دشوار است. با پیدایش اسلام و انتشار سریع و گسترده آن در میان اقوام و ملل و جلب و جذب فرهنگ‌های گوناگون بشری بنای مستحکم و عظیمی از فرهنگ و تمدن انسان پایه‌گذاری شد که در ایجاد آن ملل و نژادهای مختلفی سهیم بودند. این ملل با ارزش‌ها و ملاک‌های نوین اسلامی موفق به ایجاد تمدنی شدند که بدان تمدن اسلامی گفته می‌شود.

در تبیین عوامل به وجودآورنده تمدن‌ها، پیچیدگی‌های عمیقی وجود دارد تا آن جا که در تعیین جایگاه علت‌ها و معلول تفاوت گسترده آراء به چشم می‌خورد. با

این حال سیری در مجموعه نظریات متفکران اسلامی درباره تمدن‌ها و فرهنگ اسلامی روشن‌کننده این واقعیت و نقطه مشترک است که خدامحوری و وحی (و نه انسان‌مداری) اساس و بنیاد تمدن اسلامی است و دین، همه مظاهر تمدن و فرهنگ را دربرمی‌گیرد. واقعیت این است که پایه و اساس همه علوم و فنون به ویژه فلسفه و علوم عقلی که پدر همه علوم به شمار می‌رود، مذهب‌ها بوده‌اند و این مسأله‌ای است که اسناد تاریخی هم آن را تأیید می‌کند. برخی از متفکران اسلامی در بحث از تمدن اسلامی، تمایز چندانی میان تمدن و فرهنگ قائل نشده‌اند و گاه آن‌ها رابه صورت مترادف به کار برده‌اند.

تمدن اسلامی را از لحاظ تاریخی می‌توان به دو دوره تقسیم نمود: دوره اول از آغاز دعوت اسلامی و پیدایش اسلام در قرن هفتم میلادی آغاز شد و تا سقوط بغداد به‌دست هلاکو ادامه یافت. دوره دوم با پذیرش اسلام توسط مغولان و ایجاد حکومت‌هایی مانند صفوی و عثمانی تا اواسط قرن ۱۸ میلادی به طول انجامید. هر یک از این دوره‌ها دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آن‌ها را از هم متمایز می‌نماید.

مطالعه در اطلس تاریخ اسلامی و چگونگی انتشار اسلام در جهان نشان می‌دهد که: اسلام در طول چند قرن بر بیشتر سرزمین‌های آباد آن روز جهان مسلط شد و قسمت اعظم آسیا، آفریقا و قسمتی از اروپا را تحت سلطه و اقتدار خود درآورد. آندره میکل در مورد محدوده جغرافیایی تمدن اسلامی می‌نویسد:

«یک جغرافیدان عرب در قرون وسطی، روزی تصمیم می‌گیرد که تعریف مناسبی از سرزمین‌های اسلامی در اطراف دو بیابان ارائه دهد. از این رو سرزمین‌ها را به دو منطقه ایالات عربی شامل عربستان و سوریه و ایالات غیر عربی شامل ایران آن روز تقسیم می‌کند. این تعریف، علی‌رغم نارسایی‌های آن یکی از تقسیم‌بندی‌های اساسی سرزمین‌های اسلامی است.»^۹ این مناطق با فرهنگ و دین مشترکی به هم وصل شده بودند و ساکنان آن خود را عضو تمدن واحد و وسیعی می‌دانستند که مرکز روحانی و مذهبی آن مکه و مرکز فرهنگی و سیاسی‌اش بغداد بود. این تمدن بیش از همه تمدن‌ها به علم و دانش اهمیت داده و کهن‌ترین دانشگاه‌های جهان را پدید آورده است و با تلفیق علوم گوناگون و افزودن بر آن‌ها میراث عظیم و تکامل یافته‌ای را تحویل بشریت داد. با این اوصاف می‌توان گفت منظور از تمدن اسلامی مجموعه افکار، عقاید، علوم، هنرها و صنایع است که با الهام از آموزه‌های دینی توسط مسلمین پدید آمده است. با این مقدمه هدف معرفی و نقد بررسی کتاب آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی است که توسط عبدالحسین پیشه به نگارش درآمده و در سال ۱۳۸۸ انتشارات زمزم هدایت آن را چاپ کرده است.

محتوای کتاب

بخش اول: کلیاتی درباره تمدن اسلامی: فصل حاضر بر آن است که تأکیدی درباره این جنبه مهم از زندگی انسان بیان کند. بر این اساس، علاوه بر معناوای مفهوم کلی تمدن، موضوعات زیر به بحث گذاشته می‌شود: مفهوم تمدن اسلامی، ویژگی‌های تمدن اسلامی و مبانی تمدن اسلامی.

تمدن عبارت است از تلاش برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشریت بتوانند به همگرایی در کنار یکدیگر و به منزله اعضای از یک خانواده کامل و جامع در درون آن زندگی کنند. روی هم رفته تمدن اسلامی میراث مشترک مردم و ملت‌هایی است که روزگاری زیر سیطره اسلام در آمدند و در ساخت و شکوفایی آن ایفای نقش کردند. اینان مردم و ملت‌های بودند که تاروپود مستحکم امت

اسلامی را تشکیل می‌دادند. به این ترتیب تمدن اسلامی به نژاد و مردم خاصی تعلق ندارد، بلکه تمدنی است گسترده که همه گروه‌های نژادی و قومی‌ای را که در پیدایش، رونق و گسترش و نفوذ آن در دوران اوج شکوفایی نقش داشته‌اند، دربرمی‌گیرد.^۷

نویسنده در ادامه به این بحث پرداخته است که اسلام توانسته است بدون تحمیل اجبار، با جاذبه ویژه‌ای بر بخش‌های گسترده‌ای از جهان حکمفرما شود که این باعث می‌شود عنوان جهانی بودن تمدن اسلامی گردد.^۸

بخش دوم: ابعاد علمی، هنری، صنعتی و بازرگانی تمدن اسلامی: این بخش که در ۵ فصل تدوین شده است به بررسی ابعاد علمی، هنری، صنعت و بازرگانی در تمدن اسلامی پرداخته است. نویسنده در ابتدا از رویکرد احترام‌آمیز رسول خدا (ص) به دانش سخن می‌گوید که چنان شوق‌برانگیز و وجدآفرین بود که بر زرفای جان مؤمنان اثر می‌نهاد و آنان را به انگیزشی درمی‌آورد تا طلب علم را سرلوحه برنامه‌ی زندگی خویش گردانند و چون وظیفه دینی به آن اهتمام ورزند. آنگاه با تمسک به آیات و روایات به بررسی جایگاه دانش از نگاه قرآن، پیامبر و ائمه معصومین پرداخته است.

اوج‌گیری و شکوفایی دانش در تمدن اسلامی علل گوناگونی داشت که از جمله می‌توان به دادوستد علمی با دیگر تمدن‌ها اشاره کرد. این دادوستد سازنده کمک بزرگ تمدن اسلامی به هدف‌های علم بود؛ کمکی که موجب استواری هرچه بیشتر پایه‌های دانش در درون خود گردید و هم بر رونق و شکوفایی آن در سطح جهانی تأثیر ماندگار بر جای نهاد. تمدن اسلامی با انتقال دانش‌های هندی، ایرانی، یونانی... به سراسر قلمرو خود دانشمندان بزرگی را پرورش داد و آن علوم را چنان که درخور روزگار خودش بود فریه ساخت و سپس با انتقال آن به سراسر جهان به ویژه غرب مسیحی آنان را وامدار خویش گردانید. از سوی دیگر درحالی‌که در اوایل سده هفتم که تجارت سازمان‌یافته در اروپا تضعیف گردیده بود، در نقاطی دیگر به ویژه در جهان عرب و در میان هندوها تجارت شکوفا شد. بازرگانی ممالک اسلامی در قرن چهارم از مظاهر اہت اسلام بود و جهان اسلام ملکه تجارت دنیا محسوب می‌گردید و مقام نخست را داشت. کشتی‌ها و کاروان‌های مسلمین همه دریاهای و صحراها را در می‌نوردیدند و اسکندریه و بغداد دست کم در مورد کالاهای تجملی دو مرکز تعیین نرخ بودند. درحالی‌که فعالیت‌های بازرگانی در همه شهرها در جریان بود، بغداد، بصره، بیت المقدس،^{۱۰} انطاکیه^{۱۱} و فسطاطا^{۱۲}... به عنوان کانون‌های اصلی بازرگانی در داخل و چین و هند، اروپا و آفریقا به عنوان کانون‌های بازرگانی خارجی محسوب می‌شدند.

بخش سوم: این بخش در هفت فصل تدوین شده است. به‌گونه‌ای که حجم گسترده‌ای از محتوای کتاب را در بر گرفته است. از جمله مهم‌ترین مباحثی که در این فصل مطرح شده؛ بررسی تمدن اسلامی در شبه جزیره عربستان است. به همین منظور برای بسترسازی بحث به موقعیت جغرافیایی عربستان، پیشینه تمدنی آن، آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی در این حوزه پرداخته است. هنر و معماری و علوم در تمدن اسلامی از مباحث دیگری است که در این قسمت ارائه شده است. تلاش‌های گوناگون علمی مسلمانان از جمله عوامل بسیار مهمی بود که تمدن اسلامی را در میان تمدن‌های جهانی به مرتبه‌ای والا رسانید. کنجکاوی علمی در همه جا دیده می‌شد و دانشمندان را به کشف عجایب و ناشناخته‌های دنیا وا می‌داشت که نمونه آن را می‌توان در تلاش برای اندازه‌گیری سطح کره زمین و دیگر فعالیت‌های دامنه‌دار علمی به خوبی

قرویین در فاس در ذیل تمدن اسلامی در مراکش و جامع زیتونه^{۱۴} در ذیل تمدن اسلامی در تونس یاد کرد مسجد بزرگ تلمسان نیز مهم‌ترین بناهای موجود تمدن اسلامی در الجزایر است.

تمدن اسلامی در اندلس: آثار به جای مانده از آن دوران با عظمت چنان شکوهی دارد که با وجود تلاش‌های فراوان دشمنان برای نابودی آن‌ها، پیوسته مورخان را واداشته تا رویدادهای آن دوران را به نگارش درآورند و حقایق تلخ و شیرین آن را بازگو کنند. تمدنی که در اندلس شکل گرفت، در حقیقت همان سنت اسلامی تمدن شرقی بود که به غرب انتقال یافت. اندیشه‌های بزرگ و سازنده آن سامان از پشتوانه‌های شرقی برخوردار بود. آثار تمدنی اسلام در اندلس را می‌توان در زمینه‌های هنر و معماری و علوم و ادبیات مورد بررسی قرار داد که هنر و معماری به دلیل شواهد تاریخی به جای مانده از آن، برجستگی بیشتری دارد^{۱۵}. مسجد جامع قرطبه و الحمراء یا قلعه الحمراء که در قرن ۱۴ میلادی ساخته شد. سرآمد ابنیه عرب در اندلس به شمار می‌آید و نهایت درجه کمال و مهارت و صنعت معماری اسلامی در بنای عظیم آن به کار رفته است. بخش چهارم: بخش حاضر یعنی نوسازی تمدن اسلامی بر آن است تا در طی سه فصل ضمن برشمردن امکانات مادی و معنوی موجود در میان ملل اسلامی روند نوسازی و تمدن اسلامی و چالش‌های فراروی آن را به بحث بگذارد و ابعاد گوناگون این تلاش جهانی را از این راه روشن گرداند. در فصل اول این بخش نویسنده به موضوع ظرفیت‌های معنوی جهان اسلام پرداخته است. البته باید توجه کرد که ارائه تعریفی دقیق از ظرفیت‌های معنوی به سبب قابل مشاهده و ملموس نبودن آن دشوار می‌نماید و سخت می‌توان آن را به چیزی جز «آنچه ظرفیت هست ولی از جنس مادی نیست» تعریف کرد. اما در توضیح این مفهوم

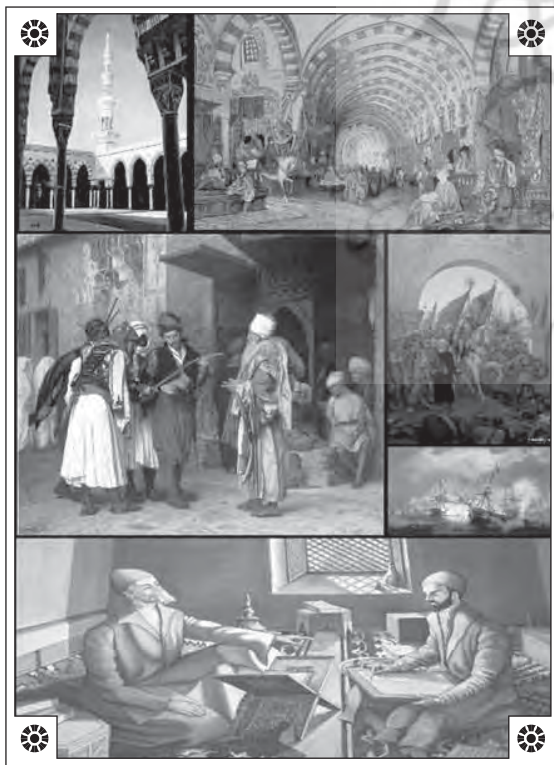
مشاهده کرد. بر اساس اندیشه‌ی فارابی در کتاب احیاء العلوم، علوم رایج در زمان وی در جهان اسلام شامل: علوم زبان و شاخه‌های آن، منطق و شاخه‌های آن، علوم تعلیمی و شاخه‌های آن، علوم طبیعی و متافیزیکی و علوم مدنی و شاخه‌های آن است. علمی که در میان مسلمانان رواج داشته و فارابی از آن‌ها نام برده است، عبارتند از: کیهان‌شناسی، هیئت و نجوم، جغرافیا، پزشکی و داروسازی و کیمیاگری.

نویسنده در فصول دیگر این بخش به بررسی زوایایی مختلف تمدن اسلامی در ایران، اسپانیا، هند و پاکستان، آفریقا... پرداخته است. در تمام مباحث تمدنی این سرزمین‌ها نویسنده ابتدا از موقعیت جغرافیایی، پیشینه تاریخی و تمدنی و سپس از ورود اسلام به آن سرزمین و آنگاه از میراث تمدنی اسلام سخن رانده است. در ادامه به مهم‌ترین این کانون‌ها تمدن اسلام اشاره می‌شود:

تمدن اسلامی در ایران: سرزمین ایران در میان سرزمین‌هایی که به اسلام گرویدند، از جنبه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و تمدنی موقعیتی بس ممتاز داشت. تعالیم اسلامی در خاطر ایرانیان مقبول و پسندیده افتاد، چراکه آنان در دوران پیش از اسلام با آموزه‌های دینی آشنا بوده و آن‌ها را نزد خود بیگانه نمی‌یافتند. تمدن کهن ایرانی زمینه‌ای شد که بذر ایمان و اعتقاد اسلامی در آن به خوبی بارور گردد و از دل آن صدها دانشمند و دین‌شناس بیرون آید. اسلام پس از ورود به ایران صدرنشین تمدن این سرزمین گردید و همه ابعاد هنری، معماری، علمی و ادبی آن را تحت تأثیر قرار داد. تأثیر اسلام در ایران تنها به گرایش مردم آن به آیین نو محدود نماند. بلکه این کشور به‌مثابه کانونی برای انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به کشورهای همجوار نیز عمل می‌کرد. **تمدن اسلامی در شام:** با گشوده شدن شام به دست مسلمانان، این سرزمین همچون خط مقدم مسلمانان، به‌ویژه در برابر مسیحیان اهمیتی ویژه یافت. ساخت قلعه‌ها و دژها، به‌ویژه در مرز بیزانس و از همه مهم‌تر، مساجد بزرگ آغاز شد و آن سرزمین چنان موقعیتی یافت که حتی برافتادن اموی‌ها و انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد، چیزی از اهمیتش نکاست. به‌ویژه آن که سده‌های پنجم تا هفتم شاهد تهاجم همه‌جانبه مسیحیت (جنگ‌های صلیبی) برای بازپس‌گیری آن سرزمین از دست مسلمانان بود. جامع مشق، مسجد الاقصی، قبه الصخره^{۱۶} از مهم‌ترین آثار تمدنی اسلامی در شامات است.

تمدن اسلامی در مصر: مصر تمدنی است با تمدنی بسیار کهن. فتح این سرزمین به دست اعراب در سده نخست هجری اتفاق افتاد و به تدریج زبان مردم عربی شد و مسیحیان ساکن آنجا نیز در اقلیت قرار گرفتند. مصر مدت یک قرن زیر فرمان سلسله بنی امیه بود سپس به دست عباسیان افتاد؛ و در سده‌های چهارم، پنجم و ششم هجری فاصمیان شیعی مذهب در آنجا تشکیل حکومت دادند. پس از آن نوبت به سلسله‌های ایوبی و ممالیک رسید و سرانجام در قرن دهم هجری ترکان عثمانی بر آنجا چیره گشتند. مهم‌ترین آثار تمدنی مصر عبارتند از: دانشگاه الازهر، مسجد ابن طولون، مسجد عمرو عاص، مسجد قلاون، قلعه چاه یوسف^{۱۷}.

تمدن اسلامی در آفریقا: آثار موجود تمدن اسلامی در قاره آفریقا، نشانگر اعتقاد راسخ این قاره‌ی دور از خاستگاه اسلام به این آیین است. از بارزترین ویژگی‌های آثار تمدنی اسلام در این سرزمین کارکرد دوگانه دینی - علمی مساجد است. از سوی دیگر، دانشگاه‌هایی که سنگ بنای آن‌ها در دوران اوج تمدن اسلامی در این قاره نهاده شده، در شمار بهترین دانشگاه‌های موجود جهان اسلام محسوب می‌شود. از جمله مهم‌ترین این موارد می‌توان به جامع



صفوی و مغولان کبیر در هند و نیز چند سلطان نشین در افریقا و مغرب اسلامی، سازمان سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی خود را بازسازی کند و تا سرحد تبدیل شدن به یک رقیب نیرومند برای غرب پیش رود. اما با پیشرفت تمدن غربی بار دیگر تمدن اسلامی در معرض سقوط قرار گرفت. امپراتوری‌های بزرگ اسلامی رو به ضعف نهادند و تجزیه شدند و در برابر رقیب دیرینه و سرسخت خود گام به گام عقب نشستند و به صورت مستعمره آنان درآمدند. اما چندی نگذشت که دوران بیداری فرا رسید و با ظهور مصلحان و بیدارگران بزرگ، ملت‌ها یکی پس از دیگری از سلطه سیاسی امپریالیسم غربی بیرون آمدند. در دوره بیداری تمدن اسلامی چندین مسئله مهم از سوی تمدن غربی پیش روی جوامع اسلامی نهاده شد به طوری که راه نوسازی از مسیر پاسخ به آن‌ها می‌گذشت. نویسنده، منبتهای فردی، فقدان یکپارچگی اجتماعی، فقدان وحدت رویه استراتژیک، ازدیاد جمعیت و مشکلات آن، مشکلات سیاسی و اقتصادی، عقب‌ماندگی‌های علمی، را به عنوان مهم‌ترین مشکلات فراروی نوسازی تمدن اسلامی برشمرده است.

جمع‌بندی و تحلیل نهایی

کتاب آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی یکی از جدیدترین آثاری است که در این حوزه به نگارش در آمده است. از لحاظ چهارچوب نظری اثر فوق از روش توصیفی استفاده کرده است با این حال در محدود مواردی هم می‌توان رگه‌هایی از تحلیل را در آن پیدا کرد. با توجه به اینکه ما در حوزه تاریخ و تمدن اسلامی شاهد آثاری متعددی چه از نویسندگان داخلی و چه از نویسندگان خارجی متخصص در این حوزه هستیم، انتظار می‌رفت که اثر فوق دارای نوآوری‌هایی، هم به لحاظ ساختاری و هم رهیافت‌های جدید در فرهنگ و تمدن باشد، که متأسفانه ما شاهد این نگاه نیستیم. نگاه کلی نویسنده در اثر فوق با تعاریفی از فرهنگ و تمدن شروع می‌شود و بعد از بیان مبانی و مؤلفه‌های تاریخ و تمدن اسلامی که بسیار مختصر بیان گردیده از ابعاد علمی، هنری، صنعتی و بازرگانی در محدوده جهان اسلام سخن گفته که دربردارنده تمام مباحث اصلی مورد انتظار نیست. در بیان کانون‌های تمدنی اسلام بعد از تاریخ سیاسی و ورود اسلام به آن محدود از آثار تمدنی اسلام در آن حوزه سخن گفته که عمدتاً حول بناهای تاریخی می‌گردد؛ در حالیکه آثار تمدنی اسلام برای مثال در حوزه اندلس صرفاً قصر الحمراء نیست. در ادامه بصورت خاص به نقاط ضعف و قوت اثر فوق پرداخته می‌شود:

نقاط قوت: به نظر می‌رسد مهم‌ترین ویژگی کتاب حاضر فشردگی و موجز بودن آن باشد، چرا که خواننده - البته غیرمتخصص - به راحتی می‌تواند به نگاه کلی از تمدن اسلامی دست پیدا کند. البته ناگفته نماند که زبان ساده و روان نویسنده که در اثر فوق کاملاً مشهود است، به خواننده یاری می‌رساند. ویژگی دیگر این اثر تأکید ویژه‌ای است که نویسنده بر روی ظرفیت‌های مادی و معنوی جهان اسلام دارد. در حقیقت می‌توان گفت که این نگاه نویسنده تلنگری است به همه کسانی که هم در درون جهان اسلام و هم بیرون جهان اسلام از ضعف و زبونی جهان اسلام سخن می‌گویند. تمام امکانات لازم برای رشد و اعتلای دوباره تمدن اسلامی در کشورهای مسلمان وجود دارد که البته نیاز به همت و مدیریت برای پیشرفت دارد. با این حال نویسنده وجود مشکلات در حوزه کشورهای اسلامی در راه اعتلا و نوسازی تمدن اسلامی را نیز متذکر شده است. **نقاط ضعف:** اگر بخواهیم درباره تاریخ و تمدن اسلامی آنگونه که شایسته این



باید گفت که ظرفیت معنوی در تمدن اسلامی آن چیزی است که در متن و درون جامعه و فرهنگ اسلامی نهفته است و مسلمانان در گذشته توانسته‌اند با اتکالی به آن تمدن سازنده و دیر پای خویش را بنا کنند؛ و امروزه نیز می‌توانند با بازشناسی و تقویت و نیز رفع کاستی‌ها، بار دیگر مجد و عظمت گذشته خویش را در برابر جهانیان به نمایش بگذارند. نویسنده، دین تمدن ساز، فرهنگ انسانی، پیشینه درخشان علمی، حسن تعامل، را به عنوان مهم‌ترین شاخص‌های از ظرفیت‌های معنوی جهان اسلام برشمرده است. بعد از ظرفیت‌های معنوی، نویسنده در فصل دیگر به ارزیابی ظرفیت‌های مادی در جهان اسلام پرداخته است. چراکه تمدن اسلامی در اوج گسترش و پیشرفت خود از امکانات مادی چندی برخوردار بود که اقتدار آن را تضمین می‌کرد. امروزه نیز با وجود همه تغییر و تحولات جهان، نه تنها از این امکانات و ظرفیت‌ها چیزی کاسته نشده، بلکه افزایش نیز یافته است. اگر در گذشته ظرفیت‌هایی همچون گسترده‌ی جغرافیایی و راه‌های تجاری در جنبه‌های مادی تمدن اسلامی نقش آفرین بود، امروزه چندین عامل دیگر مثل معادن بزرگ زیرزمینی، جمعیت جوان و فعال و... بر آن‌ها افزوده شده است. البته نباید از یاد برد افزایش ظرفیت‌ها بر میزان مشکلات ملل اسلامی نیز افزوده شده است؛ مثل مرزبندی‌های سیاسی که با دارا بودن منشاء استعماری، دیگر مشکلات را نیز تشدید کرده است. نویسنده گسترده‌ی جغرافیایی، منابع استراتژیک و جمعیت را به عنوان مهم‌ترین ظرفیت‌های مادی جهان اسلام در زمان حاضر بیان کرده است. نویسنده در فصل آخر به بررسی روند نوسازی تمدن اسلامی و چالش‌های فراروی آن پرداخته است؛ پس از سقوط خلافت عباسیان در سده هفتم هجری به دست مغولان، جهان اسلام بار دیگر توانست در قالب امپراتوری‌های بزرگ عثمانی،

تمدن کهن ایرانی زمینه‌ای شد که بذر ایمان و اعتقاد اسلامی در آن به خوبی بارور گردد و از دل آن صدها دانشمند و دین‌شناس بیرون آید. اسلام پس از ورود به ایران صدرنشین تمدن این سرزمین گردید و همه ابعاد هنری، معماری، علمی و ادبی آن را تحت تأثیر قرار داد

سخنی نگفت. وقتی طب از دست سریانی‌ها به دست مسلمین افتاد، تحقیق و مطالعه در آن جنبه جدی‌تر و دقیق‌تر گرفت. به جای رساله‌های کوتاه علمی که معمول سریانی‌ها بود، دایره‌المعارف‌های جامع طبی بوسیله مسلمین تألیف شد. تحقیقات تجربی و مطالعات بالینی هم البته از نظر دور نماند و مخصوصاً در بیماری‌های منطقه‌ای و محلی تحقیقات مسلمین - و علماء قلمرو اسلام - اهمیت یافت در واقع، تحقیقات علماء یهود و مسیحی و حتی صائین هم که در دارالاسلام انجام می‌یافت و به تشویق و هدایت مسلمین بود. اما عظیم‌ترین اثر علمی در طب اسلامی قانون ابن سینا بود که دایره‌المعارف طبی است و نویسنده در آن اقوال اطباء یونانی، هندی، و ایرانی را در انواع معالجات و در مسائل مربوط به تدبیر الماکول بیان می‌دارد چنانکه از تجارب شخصی هم مواد بسیار به آن مجموعه می‌افزاید و یا که اقوال یونانی‌ها را نقد می‌کند و مخص صا از خود بعضی معالجات خاص درباره امراض بیان می‌کند که حتی امروزه نیز جالب است. ترجمه لاتین آن نیز در اروپا مکرر چاپ شده مدتی مدید و بیش از هر کتاب دیگر، در اروپا، به منزله‌ی کتاب مقدس پزشکان به شمار می‌فت، چنان که در قرن شانزدهم، بیش از بیست چاپ از آن در اروپا موجود بود.

هنر در تمدن اسلامی

در بحث مربوط به هنر اسلامی، نویسنده صرفاً به بیان مهم‌ترین آثار تمدنی نظیر کاخ‌ها و مساجد اشاره و از بیان مهم‌ترین ویژگی‌های آن خودداری کرده است. در حالی که اهمیت یک اثر هنر در بیان ویژگی‌ها و شاخص‌های آن نسبت به آثار دیگر است. از سوی دیگر به سیر تکوین هنر در تمدن اسلامی اصلاً اشاره نکرده است.

بدیهی است که اقوام و ملل جهان در آشنایی با هنر و بهره‌وری از آن تقدم و تاخر دارند. ایرانیان و رومیان، سده‌ها پیش از ظهور اسلام با هنر آشنا شده بودند و هر یک از این دو قوم، هم‌زمان با ظهور اسلام، سنت‌های هنری چند صد ساله داشتند. وقتی سخن از هنر اسلامی در میان است، ایران و ایرانی جایگاهی ویژه در رشد و اعتلای آن دارد. از سده چهارم هجری تا آغاز سده دهم هجری، ایران مهد هنر و هنرآفرینی در جهان اسلام بود.

عربستان پیش از اسلام، از نظر هنری، به استثنای خط عربی که بالقوه آمادگی پذیرش زینت‌ها را یافت، از درون مایه چندان برخوردار نبود. شعر و سرود بیشترین هنر عرب بود تا آنکه فتوحات مسلمانان موجب شد تا آن چادرنشینان ناگهان دیده بر کاخ‌های با شکوه ایرانیان و کلیساها و پرستشگاه‌های یونانیان و رومیان بگشایند. به همین سبب، هنر صنعتگران ایرانی و یونانی و مصری و سوری با هم پیوند خورد و زیر فرمان اسلام، به شیوه‌هایی مبدل شد که امروزه

تمدن باشد سخن بگوییم، شاید بیش از ده‌ها جلد کتاب بشود. با این حال بنظر می‌رسد چنانچه بخواهیم به صورت موجز در این باره سخن بگوییم، یا باید صرفاً به حوزه تمدنی خاصی پرداخته شود و یا اگر محدوده وسیعی مثل ایران، آفریقا، اندلس در نظر گرفته شود، باید به مهم‌ترین شاخص‌ها و آثار تمدنی که در زمان سیطره اسلام بر آن محدوده به وجود آمده، اشاره کرد، که متأسفانه از نگاه نگارنده این سطور این مباحث در اثر حاضر رعایت نشده است که در ادامه بصورت موردی بدان‌ها اشاره می‌شود:

تقسیم‌بندی ادوار اسلامی

تمدن اسلامی دوران‌های متفاوتی را پشت سر نهاده است. صرف نظر از این که این ادوار چگونه و بر چه اساسی تقسیم شود، مسلم است که نباید با ادوار تمدن غربی مقایسه و زمان‌بندی و موجود در مراحل مختلف تمدن غربی، از دوران روم تا قرون میانه و عصر جدید، بر ادوار تمدن اسلامی تحمیل شود. بنابراین سخن گفتن از تاریخ تمدن اسلامی بدون در نظر گرفتن تقسیم‌بندی ادوار اسلامی هرگز کار قابل قبولی به نظر نمی‌رسد. تقسیم‌بندی ادوار تمدن اسلامی هم به خود نویسنده این توانایی را می‌دهد که تمرکز خود را بر تمام ویژگی‌های آن دوره متمرکز کند و این خود عاملی است که غالباً باعث می‌شود نویسنده به بیراهه نرود و هم برای خواننده بسیار مطلوب باشد. آنچه در اینجا ارائه شده تنها «نگاهی» به ادوار تمدن اسلامی (بر اساس نگاه استاد رسول جعفریان) است، نوعی تقسیم‌بندی که با شرایط تاریخی موجود در جهان اسلام طی چهارده قرن، طبیعی به نظر می‌رسد. می‌توان درباره هر یک از این ادوار، بیش از این سخن گفت و در ضمن اگر میان شرق و غرب دنیای اسلام تفاوتی هست، آشکار کرد.

الف: دوران شکل‌گیری و نضج تمدن اسلامی (قرن اول و دوم هجری / هفتم و هشتم میلادی)

ب: دوران حرکت و پیشرفت (قرن سوم هجری / نهم میلادی)

ج: دوران اوج تمدن اسلامی (قرن چهارم تا اوائل هفتم / دهم - سیزدهم)

ج: دوران اوج تمدن اسلامی (قرن چهارم تا اوائل هفتم / دهم - سیزدهم)

ه: دوران تجدید (دهم تا دوازدهم / شانزدهم - هیجدهم)

و: دوران انحطاط (قرن سیزدهم و چهاردهم / نوزدهم تا بیستم)^{۱۶} ...

پیشرفت مسلمانان در علوم مختلف

به نظر جالب می‌رسد که از گستره تمدن اسلامی سخن گفت ولی از علوم چون پزشکی که در سایه اسلام به بالاترین پیشرفت‌های زمان خود رسیدند

تمدن اسلام

ظرفیت معنوی در تمدن اسلامی آن چیزی است که در متن و درون جامعه و فرهنگ اسلامی نهفته است و مسلمانان در گذشته توانسته‌اند با اتکای به آن تمدن سازنده و دیر پای خویش را بنا کنند؛ و امروزه نیز می‌توانند با بازشناسی و تقویت و نیز رفع کاستی‌ها، بار دیگر مجد و عظمت گذشته خویش را در برابر جهانیان به نمایش بگذارند

جغرافیایی از جنوب اروپا تا قلب آفریقا و در آسیا تا آن سوی مرزهای چین و هند گسترده بود و نژاد سیاه و زرد را در بر می‌گرفت.

۸- بصره دروازه بزرگ بغداد و مدخل دجله و متصل به به دریای آزاد بود. کالاهایی که از اطراف جهان به بغداد می‌بردند، در آنجا فراوان بود. همین اهمیت بازرگانی باعث شده بود که آن شهر را ام البلاد گویند.

۹- بیت المقدس به لحاظ مذهبی هم برای یهودیان و هم برای مسلمانان و مسیحیان قابل احترام بود و همواره از کانون‌های مورد توجه پیروان ادیان مختلف بود. حسن ابراهیم حسن در این باره می‌نویسد: هنگامی که مسلمانان از مراسم حج باز می‌گشتند به زیارت بیت المقدس نیز می‌رفتند این گونه بود که بازارهای بزرگی نیز به همین واسطه در بیت المقدس شکل می‌گرفت.

۱۰- انطاکیه واقع در ساحل شرقی دریای مدیترانه از مشهورترین مراکز بازرگانی بود که معتمم عباسی برج و باروی آن را استوار گردانید. این شهر در ضمن آنکه از بنادر تجاری بنام بود همراه بنادر دیگر چون اسکندریه حلقه اتصال میان شرق و غرب نیز به شمار می‌رفت.

۱۱- فسطاط مرکز تجاری مصر در زمان خلافت فاطمیان بوده است. راه‌های تجاری شام، موصل، عراق، و دیگر سرزمین‌های شرق اسلامی بدان ختم می‌شد.

۱۲- قبه الصخره ساختمانی است در بیت المقدس که در سال ۶۹۰-۷۲۰مق بدست عبدالملک بن مروان خلیفه اموی، بر گرد تخته سنگی (صخره) بنا شد. قبه الصخره از لحاظ تزئینات از غنی‌ترین ساختمان‌های اسلامی است. مقدسی در توصیف آن می‌گوید: هنگامی که خورشید بر گنبد بتابد، گنبد تابناک می‌شود و قسمت استوانه‌ای آن متاللی می‌گردد و در این هنگام منظره‌ای شگفت جلوه می‌کند که بر روی هم مانند آن را در عالم اسلام به دیده ندیده و در جهان شرک نیز نشینده‌ام.

۱۳- این بنا از یادگارهای دوران خلفای فاطمی است. آب این چاه با نهایت استادی از دل سنگ بیرون آورده شده است. ارتفاع آن ۸۸ متر و قطر دهانه آن هشت متر است. ارتفاع چاه به دو طبقه تقسیم شده و از طبقه دیگر برای بالا آوردن آب چرخ‌های ویژه‌ای تعبیه کرده‌اند.

۱۴- این جامع که در سال ۱۱۴ ه.ق بنیان نهاده شده، یکی از کهن‌ترین دانشگاه‌های زنده و فعال جهان معاصر است. در این دانشگاه دانشمندان بسیاری پرورش یافته‌اند از جمله آن‌ها فقیه معروف ابو علی عمر بن علی بن حواری است.

۱۵- آثار به جای مانده از تمدن اسلامی در اسپانیا حاکی از آن است که مسلمانان به لحاظ فنی در آغاز پیرو سنت‌های معماری و بزرگوت‌ها بودند. اما اندکی بعد خود را از قید تقلید رها ساخته و سبکی تازه را ابداع کردند. گوستاو لوبون در این باره می‌نویسد: اعراب در آغاز تسلط بر اندلس معماری رومی را به کار واداشتند ولی چیزی نگذشت که هوش جبلی و سلیقه معماری و مهندسی آنان بر کارگران مزدور برتری یافته و بواسطه به کارگیری برخی الگوها و سرح‌های تزئینی که زائیده فکر خود عرب بود رونق و حلوه بی اندازه در اینیه و عمارات پیدا شد.

۱۶. برگرفته از: کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۰۷-۱۰۸.

هنر اسلامی نامیده می‌شود. معماری اسلامی در هیئت و شکل سه نوع بنای عمده به ظهور رسید: مساجد، مدارس و مقابر یا بقاع متبرکه. در معماری، نخستین بنای اصیلی که به دست معماران ایرانی در اوایل سده چهارم هجری ساخته شد، بنای شاه اسماعیل سامانی در بخارا بود، که سرمشق دیگر آرامگاه‌های باشکوه قرار گرفت. بنای آرامگاه‌ها، که کنار مساجد و مدرسه‌ها نوع سوم از معماری اسلامی به شمار می‌رود، از حدود سال ۳۹۰ق تا پایان سده نهم هجری رواج داشت.

علل عظمت و شکوه و ضعف و انحطاط تمدن اسلامی

چه عواملی باعث شد که اسلام با این سرعت و قدرت رشد و ترقی پیدا کند به گونه‌ای که بتواند آسیای، آفریقا و بخش‌های از اروپا را تحت سیطره خودش در بیاورد و ناگهان این تمدن بزرگ راه به سوی سقوط و انحطاط ببرد؟ این بحث از جمله مهم‌ترین بحث‌هایی است که در تاریخ و تمدن اسلامی همواره مطرح بوده است. این مبحث بسیار مهم از قلم نویسنده افتاده است. مباحث زیاد دیگر در مورد این کتاب می‌توان برشمرد که مجال آن در این مقاله نیست.

پی‌نوشت

- ۱- دورانت، ویل، تاریخ تمدن: مشرق زمین، گاهواره‌ی تمدن، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۱، ص ۵
- ۲- مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی بین المللی، ص ۱۹۱
- ۳- بارتولد، واسیلی؛ برررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه‌ی علی اکبر دیانت، تبریز: ابن سینا، ج اول، ۱۳۳۲، ص ۷
۴. تاج‌بخش، احمد، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز: نوید شیراز، ج اول ۱۳۸۱ش، ص ۹۹.
- ۵- میکال، آندره، اسلام و تمدن اسلامی، ترجمه حسن فروغی، تهران، سمت، ج اول، ۱۳۸۱، ج ۱، صص ۲۱-۲۰
- ۶- دو دسته هستند که تمدن اسلامی را تمدن عربی می‌خوانند، یکی اعراب معتصب که حتی از پیامبر اسلام نیز با عنوان پیامبر عربی یاد می‌کنند و دیگر اینکه مستشرقان هستند که به دلیل سلطه بلندمدت سیاسی اعراب و نیز زبان عربی بر جهان اسلام، تمدن اسلامی را تمدن اعراب می‌خوانند. گروهی نیز این عنوان را به هم در آمیخته و اصطلاح تمدن اسلام و عرب را به کار می‌برند.
- ۷- اسلام تنها آسیایی و آفریقایی نبود. بلکه از آن جهت که مدت‌های طولانی در اسپانیا و جنوب ایتالیا و استیپ‌های روسیه و شبه جزیره بالکان حضور داشت، اروپایی نیز تلقی می‌شد. به لحاظ